

بوده که دست دولت‌ها را در جلوگیری از این راه اظهار نظر مردم باز بگذاریم. ما یادمان نرفته که چطور گرفتار بودیم، همین مطلب مکرر گفته شد که بالاخره ما داریم قانون می‌نویسیم به منظور اینکه چهارچوبی برای آینده باشد، همان طور که پارسال به آن احتیاج داشتیم؛ بنابراین نباید طوری بنویسیم که آن‌ها بتوانند در اصلش مداخله کنند، بلکه باید در نظمش دخالت داشته باشند. این نقطه نظر ما بود.»

گرچی<sup>۱۲</sup> بر وظیفه دولت درباره حفظ امنیت اجتماع کنندگان تأکید کرد و گفت: «دولت باید امنیت اجتماع کنندگان را حفظ کند و تا اندازه‌ای آن را تضمین نماید و از درگیری‌های احتمالی جلوگیری به عمل آورد.» طاهری نیز اضافه کرد: «این‌ها باید محفوظ باشند که بتوانند حرف‌های خودشان را بزنند، آمدیم یک عده‌ای به این‌ها حمله کردند، این‌ها باید تأمین جانی داشته باشند.»

بنی صدر<sup>۱۳</sup> هم نگرانی در مورد جلوگیری از اصل برگزاری اجتماعات در آینده را مطرح می‌کند: «این مطالب را ما هم صبح و هم حالا بیان کردیم، دیدیم صلاحش بر فسادش می‌چرید؛ زیرا ممکن است دولت به عنوان اینکه امنیت کم شده یا زیاد شده به کلی جلوی او را بگیرد، یعنی ما گفتیم امنیت عمومی از وظایف دولت است و فکر کردیم قانون این نظم را پیش بینی می‌کند و این نظم را به عهده دولت می‌گذارد.»

متن به همان صورت به رأی گذاشته شد. سی و چهار نفر دست بلند کردند و به این ترتیب رد شد و بر لزوم مقید شدن برگزاری اجتماعات تأکید گردید. شبانی<sup>۱۴</sup> می‌گوید: «ما داریم اینجا قیدی را می‌گذاریم که به وسیله آن خودمان داریم پدر خودمان را درمی‌آوریم.» بهشتی برای اصلاح متن، این دو قید را پیشنهاد می‌کند که «راهپیمایی توطئه‌آمیز علیه امنیت و نظام اسلامی نباشد.»<sup>۱۵</sup> تهرانی<sup>۱۵</sup> گفت: «باید ضد مبانی اسلام نباشد.» صدوقی<sup>۱۶</sup> هم بر مقید بودن تأکید می‌کرد: «راهپیمایی فرق می‌کند چون یا عقیده‌ای یا انگیزه‌ای دارند یا برای یک پشتیبانی‌ای می‌خواهند راهپیمایی کنند، باید که هم انگیزه و هم آن جهتی را که می‌خواهند پشتیبانی کنند، معلوم باشد یعنی باید یک جهتی باشد که برخلاف دین و اسلام و امنیت کشور نباشد و همچنین اگر خواسته و انگیزه‌ای دارند، خواسته و انگیزه‌شان مشروع باشد.»

مرادزهی<sup>۱۷</sup> مخالفت خود را با مقید کردن اجتماعات و راهپیمایی‌ها بیان می‌کند: «ما دو نوع راهپیمایی داریم: یا برای گردش و تفریح است و یا برای اعتراض است. اگر برای اعتراض باشد که محدودیت نمی‌خواهد. مسلماً راهپیمایی یا علیه دولت است که به یک وضعی اعتراض می‌کنند و راهپیمایی می‌کنند که در این صورت جلوی اعتراضشان گرفته می‌شود و نتیجه این راهپیمایی به جایی نمی‌رسد.» آیت<sup>۱۸</sup> نیز مخالفت خود را با درج قیود در متن مطرح می‌کند: «من معتقدم که آقایان به شکل قانون نویسی توجه نمی‌کنند. همه چیز را می‌خواهند داخل اصل بیاورند.»

مشکینی<sup>۱۹</sup> تأکید می‌کند که «اجتماع و راهپیمایی بر ضد مبانی اسلام نباشد.» و در مقابل، بهشتی این سؤال را مطرح می‌کند: «بسیار خوب، اگر در جایی کسی علیه اسلام سخنرانی می‌کند و مردمی هم که آنجا هستند گوش می‌کنند و بعد هم متفرق می‌شوند، این را نظرتان این است که منع کنند یا آزاد باشد.» مشکینی پاسخ می‌دهد: «بلی ما می‌خواهیم این را منع کنیم.»

یزدی دو نوع سخنرانی را تفکیک می‌کند: «سخنرانی دو حالت دارد: یک وقت با این سخنرانی می‌خواهد علیه اسلام قیام کند که باید جلوی این را گرفت، ولی یک وقت است که سخنرانی، بحث هست مثل سخنرانی سر کلاس دانشکده که در آنجا همه آزادند، حتی اگر این بحث علیه خدا هم باشد، ولی راهپیمایی یا بحثی که مقدمه توطئه باشد درست نیست و باید این را منع کرد.» بهشتی می‌گوید: «این همان چیزی است که بنده گفتم.» و یزدی ادامه می‌دهد: «نظر من هم همین است، نه اینکه به کلی جلوی آن‌ها را بگیریم.»